

نقش‌های اجتماعی مرجح زنان در آغاز پهلوی دوم؛ کاوشی جامعه‌شناختی در ماهنامه زبان زنان

سمیه سادات شفیعی* ، سیده زهرا حسینی فر**
تاریخ دریافت: تاریخ پذیرش:

چکیده

با توجه به کمبود منابع تاریخی در حوزه زنان و جنسیت، مطبوعات زنان متونی بسیار ارزشمند و آینه‌ای از وضعیت عمومی، احوالات، دغدغه‌ها و مطالبات آنان در مقاطع زمانی در تاریخ معاصر ایران به شمار می‌روند. به‌منظور بررسی جایگاه اجتماعی، انتظارات اجباری و ایجابی نقش و نیز صفات نقشی زنان - به‌عنوان مقوله‌هایی جامعه‌شناختی در مطبوعات زنان در دوران مدرن شدن ایران - پژوهش حاضر به مطالعه ماهنامه مشهور و باسابقه زبان زنان در مقطع زمانی ۱۳۲۴-۱۳۲۱، مصادف با آغاز دوره پهلوی دوم پرداخته است. هرچند فراوانی برخی متغیرها به روش کمی احصا شده، اما روش اصلی پژوهش، تحلیل محتوای کیفی بوده است.

نتایج نشان می‌دهد با وجود گرایش‌های تجددخواهانه اصحاب نشریه، پایگاه اجتماعی زن، تنها در عرصه خصوصی تعریف شده است. مادری، همسری و دوشیزگی هر یک با انتظارات اجباری و صفات نقشی معین مورد تأکید نشریه بوده و درعین حال مادری و همسری به‌عنوان نقش‌های اصلی زنان ترجیح داده شده‌اند. به‌علاوه در آن مقطع، عهده‌داری نقش‌های سه‌گانه مذکور ایجاب می‌کرد تا با توجه به شرایط اجتماعی سیاسی کشور، زنان انتظاراتی چون فراگیری سواد و کسب مهارت در راستای وطن‌پرستی و به‌منظور تربیت مردان لایق و حافظ وطن را برآورند.

واژگان کلیدی: مادری، همسری، دوشیزگی، نقش اجتماعی، وطن‌پرستی، آموزش

ss.shafiei@gmail.com
zahrahoseinifar1@gmail.com

* استادیار جامعه‌شناسی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
** دانشجوی کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه علامه طباطبائی.

طرح مسئله

تحولات شگرف ایران در دوران معاصر، محدود به تغییرات ساختار سیاسی و تغییرات حکومتی، چنانکه حرکت مشروطه‌خواهی و انقلاب مشروطه رقم‌زده، نبوده است. این تحولات ابعاد مختلف فرهنگی اجتماعی را دربرمی‌گرفت. همچنان که این تحولات بن‌مایه‌ای اجتماعی داشت و در قالب جنبش مردمی توانست از پتانسیل اقشار و گروه‌های مختلف به فراخور بهره‌گیرد، به همین سان آمیزه‌ای متفاوت پیش چشم آن‌ها نهاد. ازجمله این گروه‌ها زنان بودند که در پرتو این تحول سیاسی اجتماعی، به‌مثابه کنشگر اجتماعی ظرفیت‌های کم‌سابقه‌ای از خود نشان دادند و الگوی مناسبات جنسیتی پیشین را با کنشگری خود زیر سؤال بردند. زنان با خواندن روزنامه‌ها و مطبوعات متداول، با ارزش‌های جدید، آزادی‌خواهی، برابری و قانون‌مداری بیش‌ازپیش آشنا شدند و ضمن مشارکت سیاسی و ورود به بحث‌ها و نظرها مطالبات خود را صورت‌بندی کردند؛ بنابراین زنان عهد مشروطه با وقوف به مبانی اندیشه دولت جدید و ناخشنود از پرده‌نشینی، بحث حقوق اجتماعی زنان را مطرح و توجه همگان را بدان جلب کردند. تولد اولین نشریات زنان حاصل موضوعیت یافتن زن و نشانگر تکاپوی زنان در آگاهی‌بخشی به جامعه بوده است؛ به‌بیان‌دیگر، تولد این نشریات برای زنان باسواد و عمل‌گرا دلالت بر آن داشت که صدای مشروطه به‌مثابه گفتمان جدید را شنیدیم و به فراخور آن، مطالبات خود را بدین‌سان صورت‌بندی کرده، به اعلان عمومی می‌رسانیم.

در این میان، نشریه زبان‌زنان به جهت توجه مستقیم و بی‌واسطه به موضوع زن، چنانکه از عنوان آن برمی‌آید، ازجمله نشریات معروف متقدم در تاریخ مطبوعات زنان است. شهرت زبان‌زنان البته تا اندازه زیادی در گروی مؤسس و نگارنده اصلی آن، صدیقه دولت‌آبادی است که به جهت فعالیت‌های قابل‌تأمل و مجدانه خود در عرصه زنان، چهره‌ای شناخته‌شده محسوب می‌شد.

مروری بر پژوهش‌های پیشین

بررسی‌های اولیه نشان می‌دهد پیشینه پژوهش، شناخت نسبی از نشریه زبان‌زنان به دست می‌دهد، همچنین با مرور پیشینه پژوهش، می‌توان ابعاد پرداختن به موضوع و سمت‌وسوی ادبیات موضوع را شناسایی کرد. ازجمله ادبیات پژوهش می‌توان به مقاله زنجانی‌زاده و باغدار (۱۳۹۴) با عنوان «بررسی جامعه‌شناختی روزنامه‌نگاری زنان در عصر مشروطه؛ با

تأکید بر روزنامه زبان‌زنان» اشاره کرد، این تحقیق به ارائه تحلیلی درباره «نوع مطالبات اجتماعی زنان در عرصه روزنامه‌نگاری در ایران» پرداخته است. متون مورد بررسی در این مقاله شامل روزنامه زبان‌زنان در سالهای ۱۲۹۸ و ۱۲۹۹ ه.ش بوده است. این مقاله همچون بیشتر مقالاتی که به نشریات زنان پرداخته‌اند به اهمیت سیاسی اجتماعی نشریات در دوره یادشده پرداخته و پژوهش خود را محدود به بررسی حضور زنان در حوزه عمومی کرده و با ارائه دلایلی بر اهمیت «نقش نشریه زبان زنان» در حضور بیش‌ازپیش زنان تأکید داشته است.

کثیری و باقری (۱۳۹۰) در مقاله‌ای با عنوان «زبان زنان - نشریه‌ای متفاوت در عرصه روزنامه نگاری زنان عصر مشروطه»، این نشریه را در سه دوره حیات خود تشریح تاریخی کرده و به شخصیت صدیقه دولت آبادی مؤسس نشریه زبان زنان پرداخته‌اند و در بخشی به تلاش‌های دولت آبادی در جهت حقوق زنان اشاره کرده‌اند.

زهره حامدی (۱۳۹۴) در پژوهشی با عنوان «بازتاب تعاملات فکری اندیشه گران درخصوص آموزش زنان در دوره پهلوی اول مبتنی بر سه نشریه شفق سرخ، عالم نسون و اطلاعات» درصدد پاسخگویی به این پرسش است که چالش‌های فکری نخبگان دوره پهلوی اول در مبحث زنان چه بوده و انعکاس آن در جراید آن عصر چه تأثیری بر وضعیت آموزشی و فعالیت‌های فرهنگی و اجتماعی آن‌ها گذاشته است؟ از نظر حامدی بحث آموزش زنان و تربیت فرزندان در نشریات با تأکید بر تربیت افراد میهن پرست مطرح می‌شد. همچنین درباره تأثیر مسائل مطرح شده در این جراید این گونه بیان شده که «ارائه این مباحث از یک سو موجب آگاهی زنان و از سوی دیگر، سبب تهییج و ترغیب آن‌ها به بهبود وضعیتشان و طرح خواسته‌ها و مطالبات حقوقی‌شان می‌شد». از این تحقیق این موضوع را می‌توان برداشت کرد که یکی از مواردی که بیشتر نشریات زنانه در محور کار خود قرار داده بودند ایجاد احساسات ناسیونالیستی در زنان است که می‌تواند ریشه‌های مختلفی داشته باشد؛ از جمله تفکرات مدرن برگرفته از غرب، ایدئولوژی و دستور کار دولتی یا شرایط نامناسب ایران از جهت درگیری در جنگ‌های جهانی.

خانیکی و کیهانی (۱۳۹۱) در مقاله‌ای با عنوان «فرضیه‌ای برای مطالعه مطبوعات زنان در ایران» به تحلیل محتوای کمی دو نشریه «زن امروز» و «حقوق زنان» پرداخته و نشان داده‌اند برجسته شدن مسائل و مشکلات زنان در این نشریات با شرایط سیاسی، اجتماعی و فرهنگی جامعه و گفتمان‌های مسلط نسبت دارد، در واقع چون سال‌های آغازین

دهه ۲۰ با طرح مسئله «آزادی» در برابر «اختناق»، همراه بوده است توجه به «حق زن در خانواده» در برابر «زن به عنوان جنس دوم»، «آموزش دختران» در برابر «خانه داری آنان» و بطور کلی «استقلال و توانمندی زن در برابر انقیاد و ناتوانی او»، برای زنانی که تجربه زندگی در فروپاشی قدرت مستبد سیاسی را آغاز کرده‌اند، اهمیت یافته بود.

اما این نوشته‌ها یا با محور مطالعه تطبیقی مطبوعات زنان پس از مشروطه نگاشته شده و اساساً زبان زنان موضوع کارشان نبوده و یا بر مقاطع اولیه حیات زنان متمرکز بوده‌اند. همچنان که پس از دور مشروطه تغییراتی در حیات سیاسی، فرهنگی و اجتماعی ایرانیان ایجاد شد. نشریه زبان زنان جزء معدود نشریاتی است که انعکاس این تغییرات را بارزتر می‌نمایند، با این حال این نشریه از بُعد «نقش‌های اجتماعی» زنان در معنای جامعه‌شناسانه مورد پژوهش خاصی قرار نگرفته است، آنچه در مقالات دیگر شاهد آن هستیم عمدتاً تأکید بر نقش سیاسی نشریه زبان زنان است، در حالی که توجه به نقش‌های اجتماعی و تطور آن می‌تواند ناظر بر تحولاتی باشد که در جامعه رخ می‌دهد. مهم‌تر آن که غالباً مقالات پیشین صرفاً به معرفی توصیفی نشریه از باب زمان، دوره انتشار، محل انتشار و در نهایت طرح مواضع کلی آن بسنده می‌کنند. از این رو از نظر پژوهشگران، جای خالی بررسی و تحلیل اثر از نظر پرداختن به زن و جایگاه اجتماعی او محسوس است و محتوای مجله باید مورد بررسی روشمند (در اینجا بطور خاص مورد تحلیل کمی، کیفی) قرار گیرد. چرا که مطالب نشریه انعکاسی از زمانه نشریه و نیز مطالبات زنان پیشرویی بوده که برای انتشار آن برنامه‌ریزی کرده و از بذل جان و مال خویش دریغ نداشتند.^۱

انجام بررسی روشمند نیازمند اتخاذ رویکردی علمی به موضوع است. بر این اساس پژوهشگران با دستمایه قرار دادن موضوع «نقش اجتماعی» به عنوان عنصر تحلیل جامعه‌شناختی، فراتر از معرفی صوری این نشریه و با تمرکز بر دوره‌ای خاص از حیات آن ۲۴ - ۱۳۲۱ که بصورت ماهیانه انتشار می‌یافت سعی دارند به کمک تحلیل سند، ارزیابی کیفی از محتوای مطالب بر حسب نقش‌های اجتماعی زنان و مؤلفه‌های وابسته بدان ارائه دهند. بر این اساس سوال‌های اصلی این پژوهش به شرح زیر است:

۱. برای زنان در ماهنامه زبان زنان چه نقش‌های اجتماعی می‌توان در نظر گرفت؟

۱. نگاه کنید به علل توقف انتظار زبان زنان در اصفهان. از جمله حمله به دفتر روزنامه و خانه دولت‌آبادی در زمان محمدحسین خسروپناه. عبرت‌ها و مبارزه زن ایرانی از انقلاب مشروطه تا سلطنت پهلوی و همچنین فشار مالی به جهت عدم پرداخت حق اشتراک پس از دوره توقیف، زبان زنان، ش ۱، آذر ۱۳۲۱: ۵ - ۲.

۲. چه انتظاراتی نقشی در ماهنامه برای زنان تعریف و برآن تأکید شده است؟

۳. کدام نوع انتظارات از جمله اجباری و ایجابی در ماهنامه مطرح شده است؟

۴. کدام صفات نقشی برای زنان در ماهنامه در نظر گرفته شده است؟

پاسخ به این پرسش‌ها روشن‌گر تصویری از «زن بودن» در جامعه دوران پهلوی است که در ماهنامه زبان‌زنان انعکاسی از آن دیده می‌شود. این تصویر هر چند به واسطه عدم تسلسل نشریه و کوتاه‌مدت بودن دوره انتشار آن تا اندازه‌ای کم‌رنگ است اما به جهت سابقه انتشار نشریه، اثربخشی اجتماعی و نیز الگودهی به مطبوعات زنان و نیز شکل‌دهی اندیشه و مطالبات زنان بسیار پرمایه است. همچنین دغدغه صدیقه دولت‌آبادی در زمینه مسائل مرتبط با زنان، آسیب‌شناسی وضعیت زنان و تلاش در ایجاد تغییرات اساسی در دوره پهلوی انکارناپذیر است. گستره فعالیت‌های او منحصر به انتشار زبان‌زنان نیست و از تأسیس مدرسه تا انجمن زنان و نیز سخنرانی‌های پی‌درپی در مجامع و اجتماعات می‌توان به جدیت او پی برد. با این حال زبان‌زنان آسان‌ترین و در دسترس‌ترین منبع جهت مطالعه جوهره اندیشه او و همفکرانش درباره وضعیت زن ایرانی است.

چارچوب مفهومی

توجه به نقش زنان در حوزه‌های عمومی و خصوصی، فعالیت‌ها و کنشگری‌های آنان، چندنقشی بودن و متعاقب آن فشار نقش‌های مختلف بر روی زنان، از مباحث مورد توجه در مطالعات جنسیتی است. در فرهنگ‌ها و جوامع، مبانی و مؤلفه‌های مختلفی برای تعریف نقش و پایگاه زن وجود دارد. برای ارائه تعریف مفهوم نقش اجتماعی، درک مفهوم پایگاه اجتماعی لازم است. هر نقشی مستلزم وجود یک پایگاه نقش است. «اگر پایگاه موقعیت ویژه‌ای باشد که شخص در جامعه اشغال کرده است، نقش رفتاری است که از چنین شخصی انتظار می‌رود» (محسنی، ۱۳۶۳: ۲۶۶).

فشار نقش، چندنقشی بودن، تعریف نقش و انتظارات نقش، مؤلفه‌هایی متأثر از فرهنگ، سنت و جامعه است که رفتارهای نقشی را در جامعه رقم می‌زند. تغییر و تحول ناشی از تغییر نقشی زنان در دوره مشروطیت تا پهلوی اول در نشریه زبان‌زنان قابل یافتن است. مفاهیم مهمی که مورد بررسی است شامل موارد زیر است:

- نقش اجتماعی: مجموعه‌ای از انتظاراتی هستند که در جامعه‌ای معلوم در مورد رفتار دارندگان یک وضعیت اجتماعی وجود دارد. نقش‌ها اساساً مستقل از فرد قابل تصور

هستند. ایستارها و رفتارهایی که از یک پدر، معلم راهنما، عضو حزب، بازیگر اسکیت و... انتظار می‌رود بدون این که ما به یک پدر خاص، معلم راهنمای خاص، عضو حزب خاص یا بازیگر اسکیت خاص بیندیشیم، به راحتی قابل بیان است (دارندورف، ۱۳۸۳: ۵۶-۵۵).

- رفتار نقشی: نقش‌های اجتماعی توقعات و انتظارات جامعه را به صاحبان وضعیت‌ها ابلاغ می‌کنند، این توقعات می‌توانند از دو نوع مختلف باشند، دسته‌ای مربوط به رفتار حاملان این وضعیت‌ها (رفتار نقشی) و دسته دیگر مربوط به ظاهر و کاراکتر (صفات نقشی) (همان، ۵۵).

- در مورد انتظارات نقش باید گفت انتظارات نقش در جامعه به سه شکل انتظارات اجباری، ایجابی و اختیاری یافت می‌شوند. انتظارات اجباری، انتظاراتی هستند که ما فقط با قبول خطر تعقیب قانونی می‌توانیم به آن‌ها پشت کنیم، ضمانت‌های اجرایی منفی برای آن‌ها وجود دارد؛ مثلاً به عنوان یک مرد، آقای X حق ندارد روابط نامشروع با مردان داشته باشد و یا به عنوان معلم این انتظار از وی می‌رود که برای تربیت دانش‌آموزان مسن‌تر، از تربیت‌بدنی استفاده نکند (همان، ۶۰). مثلاً در مورد مادران ایرانی دوره پهلوی، وظیفه فرزندآوری یک انتظار اجباری است.

در تعریف انتظارات ایجابی می‌توان گفت در این نوع انتظار نیز ضمانت‌های اجرایی منفی غالبند، اما باوجود این، کسی که آن‌ها را مرتباً رعایت می‌کند، هواداری و دوستی دیگران را برای خود به دست می‌آورد. او کسی است که سرمشق است، همیشه کارش را صحیح انجام می‌دهد و قابل اعتماد است (همان، ۶۳). گروه سوم انتظاراتی که دارندورف از آن سخن می‌گوید انتظارات اختیاری است که اگر فرد آن‌ها را انجام دهد می‌تواند بیش از هر چیز به ضمانت‌های اجرایی مثبت (پاداش‌ها) امیدوار باشد. مثلاً وقتی آقای X بخش اعظمی از ساعات فراغت خود را صرف جمع‌آوری اعانه کند، یا وقتی در نقش معلم، گروه موزیک مدرسه را نیز رهبری می‌کند (همان).

تقسیم نقش جنسیتی در خانواده: در چند دهه اخیر موضوع جنسیت در دستور کار صاحب‌نظران و پژوهشگران علوم اجتماعی قرار گرفته و طرح موضوعاتی چون کلیشه‌های جنسیتی زمینه‌های مطالعاتی کم‌سابقه‌ای را به دنبال داشته است. توضیح آن که کلیشه‌های جنسیتی مشتمل بر باورهای فرهنگی و اجتماعی‌اند که قابلیت‌ها و ویژگی‌های خاصی را به هر کدام از دو جنس منتسب می‌سازند. در نتیجه رویکرد انتقادی به این موضوع در مطالعات اجتماعی، مباحث نظری گسترده‌ای را به دنبال داشته است. از

جمله آن که هرچند بنیان کلیشه‌های جنسیتی را تفاوت دو جنس می‌دانند اما به دنبال پاسخ به ابعاد و ساحت‌های این تفاوت، پیامدها و چگونگی مکانیسم اجتماعی آن است (ریترز، ۱۳۷۹: ۴۷۳-۴۷۰).

در رابطه با تقسیم جنسیتی نقش‌ها در خانواده بعنوان نهاد نخستین اجتماعی، باید گفت جامعه‌شناسان کارکردگرا و ازجمله پارسنز^۱، طرفدار سرسخت تقسیم نقش‌ها براساس جنسیت هستند. پارسنز معتقد است خانواده هسته‌ای در صورتی می‌تواند به حداکثر کارکردهایش دست‌یابد که دو تفاوت اساسی میان اعضایش وجود داشته باشد این تفاوت‌ها عبارت‌اند از:

۱- وجود دو قطب مخالف رهبری و زیردستان

۲- وجود اختلاف در میان نقش‌های ابزاری^۲ و نقش‌های بیانگر^۳.

۳- نقش ابزاری شامل حالات مردانه و نقش بیانگر شامل حالات زنانه است. به اعتقاد وی این تقسیم نقش باعث وحدت خانوادگی می‌شود زیرا نقش مرد، دادن پایگاه اجتماعی به خانواده از طریق شغل خود و حفظ امنیت و آسایش خانواده از طریق درآمد شغلی است و نقش زن ایجاد روابط عاطفی (بیانگر) در درون خانواده و حفظ روابط عاطفی ضروری برای اعضای از خانواده است که از مشکلات گوناگون جامعه رنج می‌برند (اعزازی، ۱۳۷۶: ۷۱).

به عقیده پارسونز؛ زنان بنا بر نقش بیولوژیک‌شان در تولید مثل، گزینه‌ای برای پرورش دیگران دارند و این گزینه آن‌ها را برای ایفای نقش پر احساس در خانواده هسته‌ای، کاملاً شایسته می‌سازد. (باستانی، ۱۳۸۷: ۴۸). در نظر جامعه‌شناسان کارکردگرا، تقسیم کار جنسی در خانواده متضمن خرسندی افراد و وجود خانواده‌ای کارا و با ثبات است: این تقسیم کار به نفع هر دو جنس و جامعه است. تقسیم کار جنسی در خانواده «طبیعی» و ناگزیر تلقی می‌شود (گرت، ۱۳۸۲: ۷۴). به همین موازات، زنان و مردان در سلسله مراتب قشربندی، پایگاه اجتماعی خود را کسب می‌کنند؛ یک استدلال عام در نظریه کارکردگرایان از جمله پارسونز این است که: پایگاه طبقاتی اعضای خانواده با پایگاه طبقاتی مرد در مقام سرپرست خانواده مشخص می‌شود، همچنین آبت^۴ و والاس^۵ (۱۳۸۵) درباره رویکرد

1. Parsons
2. Instrumental Role
3. Expressiveness Role
4. Abbott
5. Wallace

مارکسیستی به کار زن بیان می‌کنند: کار زن در خانه ارزش مصرف تولید می‌کند (مانند مورد زن خانه‌داری که غذایی برای خانواده تهیه می‌کند، ژاکتی برای کودکی می‌بافد، یا سبزیجات پرورش می‌دهد) نه ارزش افزوده، زیرا کالاهایی که او تولید می‌کند مصرف می‌شوند نه این که مانند فرآورده‌های کارگران کارخانه‌ها در بازار به فروش برسند. با توجه به این که جایگاه طبقاتی را رابطه با ابزار تولید تعیین می‌کند و مبنای تعیین طبقه فرد، تولید ارزش افزوده است، پس زنان که رابطه مستقیمی با اشتغال درآمدزا ندارند نمی‌توانند جایگاه طبقاتی داشته باشند مگر با واسطه فردی که اشتغال درآمدزا دارد (۴۲ - ۴۱). امتداد نابرابری جنسیتی در حوزه عمومی را می‌توان در تقسیم کار خانگی دید که الگوی نابرابری را متبادر می‌سازد. دلفی^۱ (۱۹۷۷) مدعی است زن در برابر خدمات خانگی و بچه‌داری که برای شوهرش انجام می‌دهد پاداش منصفانه‌ای دریافت نمی‌کند. به استدلال دلفی خانه‌داری نه تنها هم‌عرض در کار خانه است بلکه در بستر «شیوه تولید» مشخصی نیز جریان می‌یابد: یعنی شیوه تولید خانگی. در این شیوه تولید، شوهر صاحب نیروی کار همسر خویش است؛ در برابر حمایت مادی شوهران از زنان انتظار عرضه خدمات خانگی می‌رود. ازدواج نوعی قرارداد کار است که شرایط آن فقط زمانی کاملاً برملا می‌شود که زن به کوتاهی در انجام تعهدات خود متهم شود. بنا بر نظر رادیکال فمینیست‌ها، مردان از کار رایگان زن در عرصه خانه سود می‌برند و به همین دلیل به شدت به حفظ تقسیم کار جنسی علاقه‌مندند (همان، ۱۸۰).

روش تحقیق

در این پژوهش، از روش تحلیل محتوای کمی و کیفی استفاده شده است. جامعه آماری مورد بررسی دوره سوم انتشار ماهنامه زبان زنان (در سال ۱۳۰۰ شمسی) است که شامل ۱۱ شماره است. همه یازده شماره مورد بررسی‌های اولیه قرار گرفت. در ابتدا ویژگی‌های ظاهری متن از طریق تحلیل محتوای کمی به دست آمد، سپس برای ایجاد کدهای محتوا در تحلیل کیفی، مطالعه مکرر متن برای رسیدن به درکی کامل از متن صورت گرفت. پس از تشکیل کدها و یافتن تم‌های موجود در متن و تطبیق آن‌ها با نظریه، بر اساس شباهت‌ها و تفاوت‌های موجود گروه بندی و طبقه بندی متون صورت گرفت.

معرفی نشریه زبان زنان

نشریه زبان زنان در سه دوره منتشر گردید. در دوره اول در ۲۷ تیرماه ۱۲۹۸ شمسی (۱۹۱۹ م) در اصفهان، بصورت روزنامه‌ای یک ورقی منتشر شد. نشریه به چاپ مقالات، ترجمه‌ها و اخبار می‌پرداخت و فراتر از موضوع زن به موضوعات و مسائل سیاسی چشم نظر داشت. تصویری نداشت و در چاپخانه حبل‌المتین به چاپ می‌رسید. قطع آن ۲۱/۵ در ۱۲/۵ سانتیمتر بود و بهای سالیانه آبونمان آن در سال اول ۱۲ قران و در سال دوم ۳۰ قران بود. عنوان نشریه بطور رسا، صدای بطور تاریخی فروخورده زنان را متبادر می‌ساخت و از این نظر در جامعه متعصب و سنتی آن روزگار خود گویای ماهیتی نوگرا بود. افسانه نجم‌آبادی معتقد است در نشریه زبان زنان، سنت‌شکنی آشکار و وارونه‌سازی مفاهیم غالب بود؛ چرا که در فرهنگ سنتی دوره قاجار، زبان زن باید کوتاه باشد و زبان درازی برای زنان بار منفی دارد؛ اما صدیقه دولت‌آبادی با نامیدن عنوان روزنامه به نام زبان‌زنان، طرح غالب را نه تنها به بازی گرفت، بلکه به آن باری مثبت داد» (دولت‌آبادی، ۱۳۷۷، ج ۱: ۶۶).

موضوع‌گیری نشریه در پرداختن به وقایع سیاسی اجتماعی از انتقاد به قرارداد ۱۹۱۹ گرفته تا دولت‌های ناپایدار و عملکرد آنان از یکسو و طرح مطالبات زنان و پافشاری بر آنان از جمله اجرای قانون تحصیل اجباری به نفع زنان و تأسیس دبستان‌های رایگان برای دختران، تقبیح ازدواج‌های اجباری دختران در سنین پایین که در زمان خود نوعی ساختارشکنی مناسبات عرفاً تقنین یافته جنسیتی محسوب می‌شد موجب شد تا با فعالیت مطبوعاتی او مخالفت‌های جدی شود. این مخالفت‌ها در قالب دستور توقیف روزنامه از سوی رئیس‌الوزرای وقت در ۱۵ دی ۱۲۹۹ قطعیت یافت و در نهایت با حمله به خانه مسکونی و دفتر نشریه، دولت‌آبادی را وادار به ترک اصفهان کرد.

دوره دوم زبان‌زنان، بیست و شش ماه بعد از دستور توقیف، در تهران انتشار یافت و در مجموع شامل شش شماره (از فروردین ۱۳۰۱ تا آذر همان سال؛ نوامبر ۱۹۲۲) است. این بار محتوای نشریه صرفاً در ارتباط با زنان بود و به مسائل و وقایع سیاسی کاری نداشت. به نظر می‌رسد مهیا شدن مقدمات سفر به اروپا و عدم حضور گرداننده اصلی نشریه (دولت‌آبادی) دلیل اصلی توقف انتشار زبان‌زنان در این مقطع است.

دوره سوم که دوره مورد نظر این پژوهش است از انتشار مجدد زبان‌زنان در آذرماه ۱۳۲۱، پس از ۲۳ سال از انتشار اولین شماره آغاز و حدود سه سال منتشر شد. در این دوره مجموعاً ۱۱ شماره پس از وقفه‌هایی هجده ماهه به چاپ رسید و مدیرمسئول و

صاحب امتیاز آن را دولت‌آبادی شخصاً بر عهده داشت و سردبیر آن در سال اول اختر معدلی بود و پس از آن مسئولیت نشریه بطور خاص بر عهده دولت‌آبادی بود. این بار و در فضای باز سیاسی پس از شهریور ۱۳۲۰، زبان‌زنان ارگان کانون بانوان به شمار می‌رفت. شماره‌های متداول در چاپخانه سپه، بانک ملی و رنگین بطور ماهیانه به انتشار رسید و هیئت تحریریه آن بر اساس شناسنامه نشریه، عده‌ای از بانوان دانشمند بودند.

یافته‌ها

در بخش ذیل ابتدا به توصیف برخی ویژگی‌های کمی ماهنامه زبان زنان (۲۴ - ۱۳۲۱) پرداخته و سپس مقوله‌های اصلی پژوهش مورد تحلیل قرار خواهند گرفت.

الف: یافته‌های توصیفی

ابتدا مقولاتی که دارای ارزش ارتباطی بوده و دارای دلالت‌های معنایی در روزنامه‌نگاری هستند مطرح و چگونگی طرح و توزیع آنان در ماهنامه زبان‌زنان بطور مبسوط ارائه می‌شود. در مقوله «قالب مطلب» فراوانی مطالبی که در ماهنامه چاپ شده به شرح زیر است:

جدول ۱- مقوله قالب مطلب

درصد فراوانی	فراوانی	قالب مطلب
۱۴,۹	۲۴	گزارش
۲۱,۱	۳۴	مقاله
۱,۸	۳	سفرنامه
۳,۷	۶	بیوگرافی
۱,۲	۲	نامه‌های مردمی
۳۱,۰	۵۰	شعر و ادبیات و طنز
۶,۲	۱۰	آگهی و تبلیغات
۱۹,۸	۳۲	سایر
۱۰۰	۱۶۱	جمع

همان‌طور که در جدول مشاهده می‌شود در مقوله قالب مطلب، شعر و ادبیات و طنز با ۳۱ درصد، بیشترین درصد فراوانی را به خود اختصاص داده است؛ این تعداد فراوانی نشان می‌دهد بیشتر صفحات نشریه را مطالب سرگرم‌کننده و یا ادبی تشکیل می‌دهند، بخصوص

نقش‌های اجتماعی مرجح زنان در آغاز پهلوی دوم ... ۱۶۳

آنکه داستان‌ها دنباله دار و در شماره پی‌درپی می‌آیند؛ هر چند برخی داستان‌ها مثل مادام دوسونیه جنبه‌های الگوبرداری و آموزشی را در دل خود دارند، ولی برخی مثل رمان «نامرادی‌ها» نوشته پیر لویی بیشتر جنبه خواندنی و سرگرم‌کننده دارد. عمده مطالب ادبیات و طنز مطالبی هستند که از زبان‌های فرانسه یا انگلیسی ترجمه شده‌اند، گواه آنکه، در لطیفه‌ها اسم‌های خارجی مشاهده می‌شود. پس از آن قالب مقاله با ۲۱ درصد، بیشترین فراوانی را به خود اختصاص داده، همچنین نامه‌های مردمی و سفرنامه به ترتیب با ۱,۲ درصد و ۱,۸ درصد کمترین درصد فراوانی را دارند. دلیل نپرداختن به «خبر» در نشریه را می‌توان با شیوه چاپ آن که بصورت ماهانه است مرتبط دانست، چنانکه در بیشتر مطالب عنصر «تازگی» وجود ندارد.

نوشته‌های مطبوعاتی مثل گزارش و مقاله به معنای حرفه‌ای مطبوعاتی نمود ندارند. مثلاً گزارش‌هایی که در نشریه تهیه شده، صرفاً پیاده‌سازی سخنان یک سخنران در یک مجلس است، یا این که مقالات، صرف بیان مطلب نوشته شده است و ساختار نوشتن یک مقاله مطبوعاتی در آن رعایت نشده است.

۲) نوع مطلب شامل ترجمه شده یا تولیدی است. فراوانی توزیع این مقوله به شرح زیر است.

جدول ۲- مقوله نوع مطلب

نوع مطلب	فراوانی	درصد فراوانی
ترجمه	۲۸	۱۷/۳
تولیدی	۱۳۳	۸۲/۶
جمع	۱۶۱	۱۰۰

آنچنان که در جدول ۲ مشخص شده است فراوانی مطالب تولیدی خیلی بیشتر از مطالب ترجمه است، با این حال مطالب تولیدی پراکندگی‌های زیادی دارد، از جمله شامل مطالب ادبی، طنز، سرگرمی و آگهی است. مطالب ترجمه‌شده، شامل مطالب سبک زندگی، الگوسازی و داستان می‌باشد. در بحث سبک زندگی باید گفت انتخاب مطالب و دروازه‌بانی خبری که مربوط به مطالب مد روز، آرایش، سیاست بدن و ... صورت می‌گیرد، تلویحاً سمت‌وسوی نگاه زنان به کشورهای غربی، بخصوص فرانسه و آمریکا است. با این حال در چندین مورد پرداختن به آرایش مورد مذمت قرار گرفته است: «زنی که خود را شناخت ...

چون آرایش واقعی را طبیعت در خلقت او به ودیعه نهاده از خودآرایی صوری عار دارد و می‌کوشد تا فرزندان نیرومند بیوراند و وجود آن‌ها را زینت اندام خود قرار دهد» (به یاد ۱۷ دی، ۱۳۲۴، شماره اول: ۵). بنابراین با آن که مطالب مربوط به آرایش یا سیاست بدن که عموماً ترجمه شده از مجلات خارجی هستند جزء مطالب دائمی نشریه هستند ولی مشی نشریه بر آن است که تعادلی میان فرهنگ سنتی ایرانی و فرهنگ غربی ایجاد کند و به فراخور در مطالب دیگر اشاره دارد که «طبیعی بودن» و آرایش نداشتن یا آرایش کم و ملایم برای زن ایرانی بهتر و جامعه‌پسندتر است: «آیا تصور نمی‌کنی که ذوق و سلیقه طبیعت مافوق نقاشی‌های مصنوعی است؟ باور کن رنگ صورت تو لطیف‌تر از پوست زردی است که رنگ چهره قشنگت را به رنگ مردمان زردپوست درمی‌آورد» (فرزند مهربان و عزیزم: ۱۳۲۴، شماره اول: ۷).

۳) منظور از مقوله جنس نویسنده مطالبی است که در انتها یا ابتدای آن نام نگارنده زن و یا مرد ذکر شده و در صورتی که نام نگارنده ذکر نشده باشد جنس نویسنده نامشخص دانسته شده است. فراوانی این متغیر در جدول زیر آمده:

جدول ۳- مقوله جنس نویسنده

جنس نویسنده	فراوانی	درصد فراوانی
زن	۶۱	۳۷/۸
مرد	۲۵	۱۵/۵
نامشخص	۷۵	۴۶/۵
جمع کل	۱۶۱	۱۰۰

همان طور که از جدول ۳ برمی‌آید، مطالبی که نویسنده آن نامشخص است بیشترین درصد فراوانی (۴۶) را به خود اختصاص داده، هر چند نویسنده این متون نامشخص هستند اما با توجه به هدف و لحن و شیوه مخاطب قرار دادن زنان و استفاده از ضمیر اول شخص جمع (ما) بسیاری از این مطالب را می‌توان به زنان نسبت داد، دلیل این امر تا اندازه‌ای آن است که در گذشته آوردن اسم زنان در میان عموم مردم مرسوم نبوده، بنابراین این اصل در فضای مطبوعاتی نیز رعایت می‌شده و اسم نویسنده زن در انتهای مطالب درج نمی‌شد. هر چند صدیقه دولت‌آبادی و برخی زنان نویسنده که سعی در شکستن تابوهای جامعه سنت‌زده داشتند همیشه اسم کامل خود را در انتهای نوشته‌هایشان ذکر می‌کردند. پس از

نقش‌های اجتماعی مرجح زنان در آغاز پهلوی دوم ... ۱۶۵

آن بیشترین مطالب (۳۷ درصد) توسط زنان، نوشته شده که می‌توان گفت سیاست ماهنامه بر آن بوده که از نوشته‌های زن نگار استفاده کنند، در واقع مردان به عنوان «دیگری» زنان بیشتر نشریات آن دوره را در دست داشتند، دولت آبادی با این سیاست سعی در شکستن فضای مردانه مطبوعات داشت. با این حال مطالب مردنوشته هم در نشریه یافت می‌شود؛ به عنوان مثال رمان، ادبیات و شعر از ترجمه‌های یحیی دولت‌آبادی است. نوشته‌هایی که اهمیت بیشتری برای نشریه داشت؛ مثل سبک زندگی، مطالب انتقادی مرتبط با شرایط اجتماعی-سیاسی زنان، مطالب آموزشی و بهداشتی عموماً نویسندگان زن دارند.

۴) در مقوله هدف مطلب (مطالبی که در آن به نقش اجتماعی زنان و انتظارات نقشی آن‌ها اشاره شده) فراوانی مطالب در جدول ۴ ذکر شده است. منظور از هدف مطلب این است که مشخص شود نویسندگان با برجسته کردن یک موضوع چه هدفی را از ابتدا تا انتهای مطلب دنبال می‌کنند.

جدول ۴- مقوله هدف مطلب

هدف مطلب	فراوانی	درصد فراوانی
الگو شناسی	۱۳	۱۵/۱
آسیب شناسی وضعیت زنان	۱۴	۱۶/۲
سبک زندگی	۲۲	۲۵/۵
راهنمایی و رهبری زنان	۱۳	۱۵/۱
آموزشی- تربیتی	۲۰	۲۳/۲
آگاهی و مشارکت اجتماعی- سیاسی	۴	۴/۶
جمع کل	۸۶	۱۰۰

همان طور که از جدول ۴ برمی‌آید بیشترین فراوانی مطلب (۲۵ درصد) مربوط به سبک زندگی و فراوانی مطالب آموزشی-تربیتی (۲۳ درصد) است، مطالب سبک زندگی شامل داستان‌هایی با عنوان «زندگی من» است که به جزئیات شیوه خانه‌داری، فرزندپروری، رفتار با شوهر و غیره می‌پردازد. همین طور مطالبی با عنوان آداب معاشرت، به طریقه آداب معاشرت در کشورهای خارجی بخصوص فرانسه می‌پردازد. مطالب آسیب‌شناسی وضعیت زنان (۱۶ درصد)، الگو شناسی (۱۵ درصد) و راهنمایی و رهبری زنان (۱۵ درصد)

فراوانی دارند و مطالب آگاهی و مشارکت اجتماعی- سیاسی کمترین فراوانی (۴ درصد) را به خود اختصاص داده است؛ این مطالب، توأمان به شرایط اجتماعی، آموزشی و تربیتی انتقاد دارند و اگر یک سری مطالب مربوط به سبک زندگی و ادبیات و طنز را در نظر نگیریم مشی انتقادی نشریه پررنگ‌تر از تربیت مادر است. شرایط اجتماعی هنوز به گونه‌ای نبود که جامعه پذیرای کامل مطالبات زنان باشد بنابراین، نشریه سعی داشت به تدریج به طرح حق و حقوق زنان بپردازد. انتقاد به حق طلاق مردان، شیوه‌های همسرگزینی، ازدواج دوباره مرد و خانواده چندهمسری، حق رأی زنان از جمله مواردی است که نشریه با توجه به شرایط اجتماعی مطرح می‌کند.

ب: یافته‌های تحلیلی

نقش اجتماعی

همان طور که پیشتر بطور مفصل گفته شد منظور از نقش اجتماعی مجموعه‌ای از انتظاراتی هستند که در جامعه‌ای معلوم در مورد رفتار دارندگان یک وضعیت اجتماعی وجود دارد (انسان اجتماعی، ۵۵). از میان مطالب نشریه، زنان عمدتاً در سه نقش بازنمایی شده‌اند. جدول ذیل بر اساس توزیع فراوانی این متغیر تنظیم شده است.

جدول ۵- مقوله نقش اجتماعی

نقش اجتماعی	فراوانی	درصد فراوانی
همسری	۱۲	۲۸/۵
مادری	۲۴	۵۷/۱
دوشیزگی	۶	۱۴/۲
جمع کل	۴۲	۱۰۰

نقش اجتماعی مادر با ۵۷ درصد بیشترین فراوانی را به خود اختصاص داده است؛ مطالبی که در آن به نقش اجتماعی مادر اشاره شده بیشتر از بقیه نقش‌ها است که نشان دهنده اهمیت نقش مادری در آن دوره است. پس از آن، نقش همسر با ۲۸ درصد بیشترین فراوانی را دارد. همین طور نقش اجتماعی دختر ۱۴ درصد فراوانی دارد. مطالبی که به نقش‌های زنان در عرصه عمومی و خصوصی اشاره دارند نمونه معرف پژوهش حاضر هستند؛ با توجه به نقش‌های زنان در مطالب نشریه، چند الگوی کلی را می‌توان یافت که در زیر به آن اشاره شده است.

نقش‌های اجتماعی سه‌گانه زنان و انتظارات اجباری نقش

مضمون رایج در مطالب نشریه زبان‌زنان آن است که «اگر زنان به دنبال کسب حقوق خود هستند باید تکالیف خود را ادا کنند». درک این رابطه دو سویه کلید شناخت پنداشت دست‌اندرکاران ماهنامه از زن و نقش‌های مرجح او در طلیعه ایران مدرن است. صدیقه دولت‌آبادی با بیان صریح هر جا حقی هست تکلیفی هست در همان شماره اول ماهنامه (۱۳۲۱) منظور خود از این جمله را به خوبی شرح می‌دهد: «بنظر من حق و تکلیف از یکدیگر جداشدنی نیستند یعنی هر جا حق است تکلیفی هم هست و نظام اجتماعی قائم به همین ملازمه بین حق و تکلیف است و از این جهت زنها وقتی به حق خود می‌رسند که به تکلیف خود عمل نمایند» (مجله زبان‌زنان: ۱۳۲۱، شماره اول: ۱۰). حتی در میان نقش‌های اجتماعی زنان در عرصه عمومی و خصوصی، مادری مرجح دانسته می‌شود. این امر جوهره سیاست‌های ماهنامه است چنانکه در مطلع هر شماره نشریه می‌خوانیم مرام مجله تربیت مادر است؛ بنابراین مادری تکلیف زن است و عمل به آن نه به سبب ما به ازاهای مذهبی و نه لزوماً اقتضائات عرفی، بلکه ذاتاً و ماهیتاً مادر بودن، چه از بُعد فرزندآوری و چه از بُعد فرزندپروری، غایت انسانی زن دانسته می‌شود. نقش اجتماعی زن در امتداد عمل به همین انتظارات الزامی در جایگاه مادری تأمین می‌شود و چیزی متفاوت و یا فراتر از آن نیست. در ادامه، این مضمون را در نقش‌های سه‌گانه مورد ترجیح ماهنامه می‌بینیم.

نقش مادری

در عرصه خصوصی دو انتظار نقش الزامی در مقطع زمانی یادشده در مورد «مادر» در امتداد گذشته تاریخی خود وجود دارد: فرزندآوری و فرزندپروری. فرزندآوری انتظار الزامی تلقی می‌شد به گونه‌ای که در صورت وجود مشکلاتی از قبیل نازایی زن، ضمانت‌های اجرایی منفی همچون طلاق یا ازدواج دوم مرد را بطور بدیهی انگاشته شده از سوی عموم به دنبال داشت. پولاک در این باره آورده: «درست است که عقیم بودن زن در تمام کشورها در حکم بدبختی و نامرادی است اما این نقص در ایران بزرگترین مصیبت‌ها به شمار می‌رود. زن عقیم همیشه مطرود شوهر خویش است و مورد تمسخر سایر زنان حرم قرار می‌گیرد و در ایام پیری که معمولاً مادر در پناه فرزند به سر می‌برد وی تک و تنهاست» (پولاک، ۱۳۶۱: ۱۵۳).

ترغیب به نقش مادری، سیاست محوری ماهنامه زبان‌زنان است. در ادامه بسط ایده حق در برابر تکلیف می‌خوانیم: «خداوند بواسطه حس فداکاری و از خودگذشتگی و مهر و عاطفه که در وجود زن به ودیعه نهاده، او را برای انجام مقدس‌ترین خدمت در جامعه بشری برگزیده است؛ یعنی او را برای مادری و تحمل زحمت و مشقت آفریده است به طوری که در شماره گذشته عرض شد «هر جا حقی هست تکلیفی هم هست» پس ای خواهران گرامی باید به وظایف مقدس خود عمل کنیم تا حق خود را به دست بیاوریم» (آزادی زنان، ش دوم، س ۲۴: ۱۳).

از نظر ماهنامه، فرزندآوری تنها در گرو تولید مثل و زایش نبوده، سلامت کودک مهم تلقی شده است. بنابراین از منظر ماهنامه، مادری ایجاب‌کننده انجام تمهیداتی جهت حفظ سلامت جسمانی کودک بود: «زن است که باید در موقع بارداری از هجوم امراض به خود جلوگیری نموده تا بتواند کودک را سلامت بدنیا آورده جسم و روح او را در پرتو قواعد علمی بهداشت و روانشناسی کودک پرورش دهد؛ بنابراین زن باید آداب و اصول نگاهداری طفل را بخوبی بداند تا هم بتواند بوظایف طبیعی خویش عمل نموده و هم از شیرینی و دلربائی فرزند دل‌بند خود لذت برده و از بزرگی و شباب او حظ وافر حاصل نماید» (حفظ نسل آینده، ش ۶، ۱۳۲۳: ۲۰).

هر چند بطور عمومی فرزندپروری بعنوان انتظار اجباری نقش با قدرت الزام‌آوری کمتری به‌ویژه در میان طبقات پایین اجتماعی مطرح بود و در مقایسه با فرزندآوری عموماً نوعی انتظاری ایجابی دانسته می‌شد، اما سیاست نشریه در جهتی مخالف به دنبال کشاندن حاشیه به متن و پررنگ کردن وظیفه مادران در فرزندپروری بود. پس مادری علاوه بر آنچه بدیهی انگاشته می‌شد مستلزم آموختن مهارت و دانش تربیت فرزند در کنار ارائه خدمات مختلف جهت انجام هر چه بهتر این امر بود. «آن کاری را که طبیعت از زن خواسته فقط شیر نر زائیدن نیست بلکه زنان باید بزایند، پرورش دهند، تربیت کنند و رشد جسمانی و عقلانی زائیده خود را بحد کمال برسانند و یک فرد قوی و متقی به جامعه بسپارند» (زن و کار: ۱۳۲۳، ش ۴: ۵). در مورد صفات نقشی مادری می‌توان به انجام امور منزل، حفظ نظم در خانه‌داری و بچه‌داری به عنوان صفات مثبت اشاره داشت. همچنین در مطلبی از نشریه با عنوان «به یاد عزیز از دست رفته‌ای به نام شوکت انصاری» (به یاد برادرزاده عزیزم: ۱۳۲۳، ش ۱۶: ۲) شوکت انصاری در مقام الگویی برای زنان، زنی مطیع، خانه‌دار، بردبار و باحوصله توصیف می‌شود که کاملاً به میل شوهر رفتار می‌کرد، ناگفته پیداست چنین

صفتی که به نابرابری، تبعیض و ظلم بیشتر مرد دامن می‌زد حتی توسط روشنفکرترین زنان نیز صفتی مثبت شناخته می‌شد. از طرف دیگر در لابلای متون ماهنامه نیز با صفات منفی نقش زنان در مقام مادر و همسر روبرویم؛ از جمله زیاد حرف زدن، برای هر چیز کوچک نوحه و گریه کردن، حسادت ورزیدن.

نقش همسری

دومین نقش مورد ترجیح ماهنامه که به لحاظ توزیع فراوانی کمی این رتبه را کسب کرده، نقش همسری است. عموماً انتظارات الزامی نقش همسری برای زن، با محوریت خانه‌داری و شوهرداری مطرح بوده است. در تکمیل بیان دولت‌آبادی در شماره نخست «هرجا حقی هست تکلیفی هم هست»، بدرالملوک مولوی یکی از نویسندگان ماهنامه می‌نویسد: «پس ای خواهران گرامی بیایید به وظایف مقدس خود عمل کنیم تا حق خود را به دست آوریم. بیایید در تحمل شدائد زندگی به شوهران و برادران خود کمک کنیم و خاطرشان را تسلیت دهیم، در فراهم کردن اسباب آسایش ایشان از هیچ فداکاری دریغ نداشته باشیم» (آزادی زنان: ۱۳۲۳، ش ۱۴:۲).

در مطالبی که در ماهنامه به نقش همسر پرداخته، یکی از وظایف مهم زن در خانه در قبال مرد خانه، شوهرداری عنوان شده است. شوهرداری، شامل اشکال مختلف خدمت‌رسانی به مرد تعریف شده است. از جمله و بطور خاص، نشریه یک روایت دنباله‌دار از زبان زن خانه‌داری با عنوان زندگی من منتشر می‌ساخت که بیشتر از وجه سرگرمی، جنبه‌ای آموزشی به‌ویژه در زمینه فنون همسرداری، خانه‌داری، میهمان‌نوازی و فرزندپروری داشت. محور همه چیز در این سلسله روایت‌ها در هر شماره، «مرد» خانواده بود و زن به هر طریقی در جهت راضی و خشنود نمودن همسر و در تلاش برای تنظیم مناسبات زن در مقام همسر اوست: «بعد از صرف صبحانه شوهرم مشغول لباس پوشیدن است و من به مناسبتی صحبت از غذای ظهر به میان می‌آورم تا بفهمم به خوراکی که در تهیه آن هستم مایل است یا چیز دیگری میل دارد، با وجودی که جدول مرتب شده خوراکی‌های هفتگی کاملاً با رعایت میل او تهیه شده است ولی گاهی احساس می‌کنم به غذای دیگری مایل است» (زندگی من: ۱۳۲۴، ش ۲۰:۲). یا در جایی دیگر درباره شرح خدماتش در فصل گرم سال به همسر کارمند خود می‌آورد: «برای او بسیار فکر می‌کنم که در گرمی هوا وسایل راحتی در منزل برای او تهیه کنم... ساعت ده صبح یک نیم بطری

شربت - یا آب میوه سرد برای او می‌فرستم... خیلی کوشش دارم ساعت یک بعد از ظهر نهار توی زیر زمین روی میز آماده باشد. بطری‌های آب سرد توی یخچال مهیا باشد. پیش از آمدن شوهرم هوله، صابون و پیراهن خواب او را توی حمام می‌گذارم... یقین دارد که هر روز من یک خوراک تازه مطابق میل او حاضر کرده‌ام. اگر یک کسی از خارج صورت درهم کشیده و عبوس شوهر مرا موقع برگشتن از اداره ببیند و بعد از استحمام و سرمیز غذا او را مشاهده کند هرگز نمی‌تواند باور کند که این دو صورت یکی است» (زندگی من، ۱۳۲۴، ش ۳:۳۰). این زن چنانچه خود شرح می‌دهد از طبقه متوسط جامعه است، زنی امروزی و با سواد است و در لابلای روایتش درمی‌یابیم زنی سنتی ملبس به حجاب رایج نیست.

صفات نقشی زن در مقام همسر در امتداد حفظ شاکله خانواده و خدمات‌رسانی به شوهر، انتظارات ایجابی را رقم می‌زند و در یک درهم‌تنیدگی، زن را در مقام همسر این گونه معرفی می‌کند: «رفاقت با شوهر - بردباری در زندگی - پرستاری اطفال - نگاهداری افراد خانواده - دقت در نظم و ترتیب - بکاربردن علم صرفه‌جویی - ترحم به زیردستان، همه زیورهای ذی‌قیمت وجود زن است» (از مادرم فکر می‌کردم: ۱۳۲۱، ش ۱:۱۸). این انتظارات نقش از زنان در مقام همسر به‌گونه‌ای است که آنان را همواره در بوته ارزیابی می‌بیند؛ بنابراین صرفاً امری تجویزی نیست بلکه با وارد کردن انتظارات ولو اختیاری جدید، همسری را پروژه‌ای همواره ناتمام معرفی می‌کند. عباراتی چون «زنان باید در شیوه شوهرداری تجدیدنظر کنند»، «سلیقه مرد را بدست‌آوردن کاری سخت است» و «زنان در شوهرداری خود باید مثل یک قاضی رفتار کنند» دال بر همین امر است.

همچنین در پرداختن به نقش همسری گاه با مطالبی روبرویم که ضمانت‌اجرایی منفی چون انقضای ازدواج یا همان طلاق را نتیجه عملکرد ناقص زن و ناکارآمدی او دربرآوردن انتظارات نقشی او می‌داند. «اول کار مهم زن شوهرداری است که خود یک مبحث بسیار قابل توجهی است، روحیه مرد را به دست آوردن [یعنی] مرد را بر طبق ذوق و سلیقه خودش «که نزد هر مردی متفاوت است» راضی نگهداشتن، یک خانم قاضی و با تجربه می‌خواهد تا بار این کار را درست به منزل برساند. اگر شوهرداری بانوان بر وفق مرام بود- عمل طلاق بیشتر از ازدواج صورت نمی‌گرفت» (زن و کار: ۱۳۲۳، ش ۵:۴). این عبارات نشان‌دهنده نهادینه‌بودن ایدئولوژی پدرسالارانه در جامعه است به گونه‌ای که حتی زنان علاقه‌مند به تحول وضعیت زنان، آن را برحق می‌دانند. اینجا است که می‌بینیم محیط پیرامون، بطور تاریخی از منظر مردان دیده و تجربه می‌شود: «نظریه‌پردازان فمینیسم مانند

نقش‌های اجتماعی مرچ زنان در آغاز پهلوی دوم ... ۱۷۱

بسیاری از نظریه‌پردازان ارتباطی دیگر، معتقدند زبان عمیقاً دیدگاه‌های ما را نسبت به جهان شکل می‌دهد. در نتیجه، یک جهان گفتمان مردسالارانه، ما را ترغیب می‌کند جهان را از دیدگاه مردانه درک کنیم» (مهدی‌زاده، ۱۳۸۷: ۱۲۲). «آلتوسر می‌گوید: نظام‌های بازنمایی، ماهیتاً بر ساختارهای ناخودآگاه مبتنی است» (همان، ۳۶). در واقع ایدئولوژی مردسالارانه کماکان در مورد نقش‌های جنسیتی برای زنان درونی شده است و تبدیل به جزئی از ناخودآگاه آنان شده است.

در جایی دیگر درباره تمایلات مرد ذیل موضوع ازدواج می‌خوانیم: «زن با خرج کم خوب بیوشد. با خرج کم غذای خوب و خوشمزه تهیه کند و به شوهر بیش از همه سهم بدهد. عیب شوهر را (اولاً) نفهمد و اگر فهمید به روی او نیاورد. هیچ چیز را از شوهر پنهان نکند. ابلیس راه شوهر نباشد. با شوهر همفکری کامل داشته باشد» (در موضوع ازدواج: ۱۳۲۳، ش ۱۳:۶).

در کنار صفات نقشی مثبت و منفی که در قسمت قبل به آن اشاره شد و قابل تعمیم به نقش همسری نیز هست، ماهنامه با بیان احوالات یک «بارونس فرانسوی» بعنوان الگویی از زن غربی به برخی از صفات مثبت نقشی زنان اشاره می‌کند. از جمله در مطلبی با عنوان شوهرداری مادام دوسونیه می‌آورد: «مراقب بود که تمایلات شوهرش را رعایت کند... از وقتی که بی شوهر شد با عیش و عشرت زندگی وداع کرد و عمر خود را به تنهایی فقط با بچه‌هایش بسر برد... مکرر می‌گفت من وفادار به شوهرم هستم تا هستم... وقتی دخترش به بیست‌وسه‌سالگی رسید برای سعادت‌مندی دخترش که می‌دانست تا او در جامعه نباشد نمی‌تواند شوهری مطابق شأن و مقام خود پیدا کند، از زندگی بیلاقی صرفنظر کرده در پاریس رحل اقامت افکند، نیز مطمئن بود که جوانی و زیبایی او سپری شده و دیگر خطری برای شرافت او نخواهد بود» (مادام دوسونیه: ۱۳۲۴، ش ۱۹:۲).

نقش دوشیزگی

همانطور که فراوانی توزیع نقش‌های اجتماعی در جدول ۵ نشان می‌دهد، در مطالب ماهنامه به نقش دختران کمتر اشاره شده ولی در همان محدود موارد نیز برای دوشیزگان، عهده‌داری نقش‌های قالبی در نظر گرفته شده، از جمله نقش همسری: «دوشیزه جوانی که می‌خواهد همسر اختیار کند باید به اهمیت مسئولیت‌های خود در حیات اجتماعی پی برده و خود را برای انجام وظایفی که بعهد خواهد گرفت آماده سازد تا بتواند خانواده

سعادت‌مندی تشکیل داده اسباب آسایش افراد آن را در خانه فراهم و فرزندان قوی و سالم پرورش دهد و جوانان شجاع و لایق و مردان آراسته به فضائل اخلاقی تقدیم جامعه نماید» (آزادی زنان، ۱۳۲۳ ش ۱۳:۲) و نیز آمادگی جهت عهده‌داری نقش **مادری**: «مادران دختران را برای مادری و رفاقت زندگی جوانان باید پرورش دهند» (مساعدت زن و مرد در زندگی: ۱۳۲۳، ش ۴:۲). غایت انسانی دختران، همان ازدواج و فرزندآوری است. در این مسیر آموزش و تعلیم و تربیت در مدارس و حتی کسب تحصیلات عالی، بستری جهت رسیدن به این هدف غایی دانسته می‌شود. هدفی که بصورت ذاتی و عرفی به زنان نسبت داده می‌شود. دولت‌آبادی خود می‌نویسد: «بانوانی که در سایه آزادی خوش درخشیدند، تاکنون تجلی آنان به حد کمال نرسیده و در این انقلاب بقدر کافی دل فداکاران راه آزادی را به دست نیاورده‌اند. بیشتر روی سخن با دوشیزگانی است که از تربیت خانوادگی گذشته، دوره تحصیلات دبستان و دبیرستان و دانشسرا و دانشکده را پیموده ولی برای انجام وظایفی که خالق آن‌ها را موظف و خلق از ایشان انتظار دارند هنوز اندر خم یک کوچه‌اند» (از مادرم فکر می‌کردم: ۱۳۲۱، ش ۱۸:۱). و در جایی دیگر صریحاً در بیان روند تکمیلی زن به مثابه انسان اجتماعی بر این موضع تأکید می‌ورزد: «همینطور است دوران زندگی زن، گذراندن عصور سابقه یعنی عهد دوشیزگی و زمان خانه داری مقدمه‌ای است برای نتیجه مادری» (دختر- زن- مادر: ۱۳۲۳، ش ۴:۱۶).

انتظارات ایجابی

با طرح بحث نخست و روشن شدن جایگاه نقشی مرجح زنان از منظر ماهنامه زبان زنان و انتظارات و صفات تابعه، در مرحله بعد به انتظارات ایجابی از زنان در نقش‌های سه‌گانه می‌پردازیم. در مجموع روح کلی حاکم بر این دست انتظارات بیشتر از آنکه از روی اجبار، پذیرش و عهده‌داری وظایف باشد از سر اقناع و همراهی است؛ تبعیتی که از استلزامات مدرن شدن و همراهی عمومی با جریان نوسازی حاکم در آن مقطع محسوب شده و مساعدت زنان را انتظار دارد. این دست انتظارات در دو مقوله فراگیری سواد، مهارت و کسب آگاهی و نیز اشاعه حس وطن‌پرستی بر حسب نقش‌های سه‌گانه مادری، همسری و دوشیزگی مطرح است.

الف: فراگیری سواد، تحصیل و مهارت

مهم‌ترین موضوعی که زنان بعد از انقلاب مشروطه به آن پرداختند بحث تحصیل و برخورداری از آموزش ابتدایی بود. سوادآموزی وسیله‌ای بود که زنان را به سر منزل مقصود یعنی رهایی از جهل و خرافات می‌رساند و آنان را از حصار حوزه خصوصی بیرون می‌کشاند. ضمن این که بعد از انقلاب مشروطه تلاش برای ایجاد آموزش عمومی شروع شده بود، در زمان پهلوی ایجاد مدارس و مراکز آموزش عالی عمومی و به ویژه اختصاصی دختران مورد حمایت دولت قرار گرفت و به لحاظ کمی محیط‌های آموزشی در تهران و شهرستان‌ها رشد قابل توجهی داشت: «روند رو به رشد مراکز آموزشی در دو مقطع تحصیلی ابتدایی و متوسطه، نشان از توجه حاکمیت پهلوی به امر آموزش داشت. تعداد دبستان‌ها در آخر سال حکومت رضاشاه، شش برابر دبیرستان‌ها و تعداد دانش‌آموزان دبستان، ده برابر دبیرستان‌ها بود. این رویکرد نیز به تصمیم‌های اولیه وزارت معارف در ترویج تعلیمات ابتدایی در تمام نقاط باز می‌گشت و در یک مقایسه کمی بین تعداد دانش‌آموزان و تعداد مدارس در سال ۱۳۰۴ و ۱۳۲۰ می‌توان به رشد روزافزون در این حوزه پی برد» (رجبی، ۱۳۹۵: ۴۱)؛ اما دستیابی به این وضعیت به هیچ وجه آسان نبود. مقاومت عمومی که حاصل از نگاه عرفی به زن بود مانع جدی بر سر دسترسی آنان به امکانات آموزشی به شمار می‌رفت. این امر یکی از مقاصد اهتمام نشریه زبان زنان در دوره‌های مختلف حیات خود بود و با مخاطب قرار دادن اقشار مختلف- از جمله اقشار سنتی به ویژه مردان مخالف سوادآموزی زنان؛ زنانی از اقشار متوسط و پایین که دست به گریبان جهل و خرافات بودند و زنان تجددخواهی که از اهمیت سوادآموزی زنان غافل بودند- تلاش در ایجاد توجه و تأثیر بر مخاطبان داشت. این مهم نیز در پرتو نقش‌های سه‌گانه زنان مطرح شد.

سوادآموزی و کسب تحصیل و مهارت مادران

برای پیشبرد اهداف سوادآموزی بانوان، نه تنها عهده‌داری نقش مادری و انتظارات اجباری نقش مورد تشکیک قرار نمی‌گرفت، بلکه مادری نقشی مرجح و ارزشمند محسوب شده و انجام هر چه بهتر وظایف مربوطه به شدت مورد تشویق قرار می‌گرفت. در این راستا تحصیل، مقدمه‌ای برای کسب مهارت‌های بیشتر و احاطه کامل‌تر بر علم خانه‌داری و فرزندپروری دانسته می‌شد. نمونه‌های اعلائی زن موفق امروزی، مادری باسواد بود که برای خدمت‌رسانی به خانواده به کسب تحصیل پرداخته و در برآوردن انتظارات نقش خود به

ویژه در تربیت فرزند و حضانت از او، در برابر بیماری‌ها و ناملایمات محیطی، در کسب سواد و علم کوشیده بود. از جمله مثال‌های نمونه‌های موفق زنان غربی نیز تابع همین قاعده بود. مثلاً در شماره دوم سال ۱۳۲۳ روی جلد نشریه، ضمن چاپ عکس «میسس هاشپی» که «رئیس کنگره انترناسیونال زنان حقوق طلب آمریکا» است به معرفی او پرداخته شده و او را «فاضل و دانشمندترین بانوان نیویورک» نامیده، ضمن این که «حاکمی صفات حمیده» و «مادری دقیق» است و «فرزندان لایق» تربیت کرده. چراکه: «مادری که خود در گرداب جهالت و نادانی غوطه می‌خورد چطور می‌تواند فرزندانش را راهنمایی کرده، مردان کارداران و آگاه تربیت نماید» (آزادی زنان: ۱۳۲۳، ش ۱۳:۲). به بیانی دیگر، نشریه «زنان موفق کشورهای دیگر» را به عنوان «دیگری» زنان ایرانی معرفی می‌کرد و زنان ایرانی را ترغیب به سوادآموزی و تلاش در جهت رسیدن به این نمونه‌ها می‌کرد.

در مطلبی با عنوان «به یاد ۱۷ دی» در ابتدا از لزوم آزادی حجاب و تشریح وضع موجود جامعه سخن می‌گوید سپس با اعتلابخشی به نقش مرجع مادری، غایت تحصیل و کسب آزادی را برای زنان در پذیرش نقش مادری می‌بیند: «زن آزاد و مستقل در سایه دانش به عالم مادری تعظیم می‌کند و با افتخار تمام، کمر به خدمت اولاد بشر می‌بندد» (بیاد ۱۷ دی: ۱۳۲۴، ش ۵:۱). گفتنی است جامعه ایران در آن مقطع در جستجوی علم‌گرایی بعنوان یکی از مؤلفه‌های مدرنیته به‌ویژه با ارجاع به علوم رایج زمانه در کشورهای غربی - بخصوص فرانسه، انگلیس و آمریکا در زمینه پرورش فرزندانش، بهداشت و سلامت جسم و تربیت کودک - بر روش‌های علمی تأکید داشته و بر همین اساس به شیوه‌های تربیت مادران که گاه همراه با خرافات بود یا در مورد نکات بهداشتی و دوران بارداری علم دقیقی نداشتند انتقادات فراوانی وارد کرده، سوادآموزی، کسب علم و مهارت لازم را برای پرورش فرزندانش ضرورت می‌دانستند. «بله هرکس می‌تواند مادر شود ولی نمی‌تواند کودک تربیت کند. اگر غیر از این بود باز تکرار می‌کنم در کشورهای متمدن به این فن شریف اهمیت نمی‌دادند... چنان که امروز می‌بینیم کشورهای متمدن به این فکر افتاده‌اند که پرورش کودک را از راه صحیح علمی و عملی انجام دهند» (من و آموختن روش مادری: ۱۳۲۴، ش ۴، ۱۹ - ۱۸).

سوادآموزی و کسب تحصیل و مهارت همسران

عهده‌داری نقش همسری مستلزم مساعی جهت ارائه بهتر خدمات به همسر و انجام امور خانه به نحو احسن بود. انتشار دستورات مختلف آشپزی، نگهداری غذا و لکه‌زدایی از مطالب نشریه بود. به زنان توصیه می‌شد تا مهارت‌های خانه‌داری را در قالب رموز خانه‌داری بیاموزند. به‌علاوه کانون بانوان بعنوان نهاد حامی ماهنامه زبان‌زنان علاوه بر کلاس‌های آموزشی خواندن و نوشتن، دوره‌هایی تخصصی برگزار می‌کرد و در کنار ماهنامه، زنان را به یادگیری و سوادآموزی با روش‌های علمی و جدید خانه‌داری، آداب معاشرت، بهداشت کودک، نگهداری وسایل و ابزار منزل، نظافت و بهداشت بدن، پوست و مو، لوله کشی آب در منزل و ساخت حمام خانگی تشویق می‌کردند و همواره تأکید می‌شد که صرف فداکاری و احساس مسئولیت نسبت به خانواده برای دوران زندگی کافی نیست: برای آنکه بانویی بتواند چرخ‌های عظیم زندگانی خود را بگردش درآورد باید از رموز خانه‌داری اطلاع کامل داشته باشد (گزارش دهمین سال تحصیلی کانون بانوان: ۱۳۲۴، ش ۳:۱۵).

سوادآموزی و کسب تحصیل و مهارت دوشیزگان

حق برخورداری از آموزش برای دختران از جمله موضوعاتی بود که در سایه مطالبات روشنفکران در جریان مشروطه‌خواهی مطرح و سپس در نشریات متقدم زنان از جمله دانش و شکوفه مورد تأکید قرار گرفت.^۱ این آموزش در زمان انتشار ماهنامه زبان‌زنان که انعکاسی از مطالبه‌خواهی و حرکت آزادیخواهانه زنان فرهیخته ایران بود علاوه بر سوادآموزی به شدت پیوسته به نقش بود و به‌ویژه در پرتو احراز هرچه بهتر نقش مادری معنا می‌یافت. از جمله در خطابه‌ای که به مناسبت دهمین سال فعالیت آموزشی کانون بانوان منتشر شده می‌خوانیم: «شما دختران شرافتمند که افتخار اولین دوره تحصیل و تربیت این آموزشگاه را دارید بکوشید تا عملاً از فضائل اکتسابی خودتان و دوستان و رفقای جوان خود را متمایل به تحصیل روش مادری کنید و همیشه بخاطر داشته باشید که کانون بانوان شما را زنی فداکار و مادری لایق پرورش داد و رموز مادری و زندگی را کاملاً به شما آموخت» (گزارش دهمین سال تحصیلی کانون بانوان: ۱۳۲۴، ش ۳:۱۴).

۱- برای مطالعه بیشتر درباره توجه به سوادآموزی و تربیت زنان در نشریاتی چون کاوه، بهار و جبل‌المتین، نگاه کنید به: عاملی رضایی، ۱۳۸۹: ۱۷۲ و تأکید بر لزوم تحصیل بانوان در شکوفه به همان: ۲۰۶.

در جایی دیگر ضمن تجلیل از مقام تحصیل، کیفیت ارائه خدمات در نقش مادر و همسر را برشمرده و انتظارات ایجابی دختران تحصیل کرده مجرد در قبال سایر زنان در قالب آنچه به زکات علم معروف است این گونه بیان می‌شود: «دوشیزگان خوشبخت که در پرتو نیروی مالی والدین خود موفق بتحصیلاتی شده و برخلاف خواهران بدبخت خویش که برای تحصیل معیشت روزانه ناچار هستند بهر دری روی آورند و خداوند هم هوش و ذکاوت آن‌ها را ممتاز فرموده است، اگر مختصری از آداب و رسوم مادری و بچه داری و بهداشت و روانشناسی کودک بیاموزند، مادامی که همسر اختیار نکرده و فراغتی دارید ممکن است در سایه بذل همت و محبت خود جمعی از خواهران را در خانه و یا در برزنه‌ها باین نکات آشنا سازید تا نور علم و معرفت و تجانس اخلاقی را بآنها رسانیده و ضمناً برای دوره لذت بخش تأهل و بارآوری خودتان کار آزموده گردید» (حفظ نسل آینده: ۱۳۲۳، ش ۶:۲۲).

ب: اشاعه حس وطن پرستی

گزاره محوری دیگر در ماهنامه زبان زنان وطن پرستی است. هرچند احساسات ملی‌گرایانه در جامعه ایران ریشه‌ای کهن داشته، اما در پرتو انقلاب مشروطه این امر اولویت خاصی یافت. با استیلای دولت-ملت و استقرار دولت پهلوی، ملی‌گرایی و به‌ویژه بازگشت به ارزش‌ها، نمادها و اسطوره‌های ایران باستان بعنوان دستاویزی ایدئولوژیک به یکی از بنیان‌های دولت شبه‌مدرنیستی رضاشاهی بدل شد. چرا که هیئت حاکمه و به‌ویژه روشنفکران و نخبگان سیاسی مطرح، در تشخیص و توصیه این امر به زمامدار حاکم بعنوان یکی از منابع مشروعیت‌بخش و موتور محرکه جهت تسریع عمومی فرایند مدرن‌سازی آمرانه کوشیدند. نشریات دوره پهلوی اول مشحون از گفتمان وطن‌خواهی و ایران‌گرایی است. همچنین وطن پرستی از سیاست‌های اصلی سازمان پرورش افکار بعنوان بازوی سیاسی و فرهنگ‌سازی دولت رضاشاه در سال‌های پایانی حیات است.^۱

نشریه زبان زنان از این فضای فکری جدا نبود؛ بنابراین به سبب گفتمان غالب و در کنار سایر مطبوعات به موضوع وطن پرستی اما از منظر مورد دغدغه خود می‌نگریست؛ در اینجا ترغیب احساس وطن پرستی به عهده‌داری نقش و انتظارات نقشی در پایگاه همسری، مادری و دختری مرتبط می‌شد.

۱- برای مطالعه بیشتر نگاه کنید به: پهلوان، چنگیز (۱۳۹۵) سازمان پرورش افکار و هنرستان هنرپیشگی، نشر مرکز.

مادر مردان وطن

پس از مشروطه، ناآرامی‌ها و آشوب‌های داخلی ناشی از سربرآوردن قدرت‌های محلی از یک‌سو و زیاده‌خواهی و تعرضات مختلف دول خارجی به ویژه دولت روس و انگلیس، کشور را دستخوش بحران‌های متعددی ساخت. هرچند رضاشاه کوشید در دوران تثبیت قدرت مرکزی، بحران‌ها را فرونشاند و تا اندازه زیادی موفق عمل کرد اما باید گفت این فعالیت‌ها در مجموعه‌ای به هم پیوسته از مدرن شدن ایران در ساحت سیاست، اجتماع، اقتصاد و فرهنگ رخ داد. از جمله تمرکز دستگاه دیوانسالاری بطور عمومی و نیز بطور خاص در عرصه نظامی به تجهیز و آماده‌سازی قشون آموزش‌دیده و حرفه‌ای منجر شد. نظام سربازگیری معمول شد و سرباز پایگاه خاص خود را یافت؛ پایگاهی که توجهات را به اهمیت خود جلب کرد و در جریان انتساب صفات نقشی چون شجاعت، فداکاری و وطن پرستی به آن‌ها، زنان را در جایگاه مبرز مادری بعنوان تربیت کننده و ترغیب کننده جوانان در اهتمام به این امر نشانند. همچنان که بسیاری از این دست گزاره‌ها را در نشریه زبان زنان می‌توان یافت: «مادر می‌تواند مردان شجاع و فداکار تربیت کند مادر می‌تواند خویش را به نیروی تشویق و تحریص به سربازان مشهور و میهن دوست بسپارد. مادران مخصوصاً در کار سربازان برای مملکت بخش بزرگی را عهده دار هستند که اگر اندکی از این وظیفه غفلت نمایند به آتیه نزدیکی، کشور خویش را به فرزندان و مادران بیگانه خواهند سپرد» (تأثیرات تربیت خانوادگی: ۱۳۲۴، ش ۱:۱۲).

در این راستا شاهدیم که اهمیت این موضوع برای دولت پهلوی به حدی بود که رویکرد ملی‌گرایانه را در کتاب‌های درسی دختران وارد کردند. «از جمله کتاب ششم ابتدایی دختران (۱۴:۱۳۱۹)، تربیت فرزندان میهن پرست را وظیفه مادران می‌داند و اشاره می‌کند که احترامی که جامعه برای مادران قائل است، برای آن است که پرورش نسل آینده هر ملت به آن‌ها محول شده است و خوشبختی و بدبختی فرزندان هر قوم نتیجه تربیت و عاداتی است که از مادران خود فرا می‌گیرند» (حامدی، ۱۳۹۴).

همسر؛ آبادگر خانه و پروراندن مردان وطن

با آنکه نهادینه سازی حس وطن پرستی از جمله انتظارات ایجابی نقش مادری محسوب می‌شد اما زبان زنان صرفاً به آن بسنده نکرد و در حرکتی موازی، زنان را به ایجاد حس ملی‌گرایی در همسران تشویق می‌کند: «بدیهی است چون از اغتشاش اولیه که نتیجه

هر انقلابی است گذشتیم، زنان در سایه استقلال فکر و عمل، توانا و دانا خواهند شد و حس وطن‌پرستی در وجود آنان قوی می‌شود و برای پایداری ایران و ایرانی خود را مجهز می‌کنند و این نکته را یک اصل مسلم می‌دانند که خانه را زن باید آباد کند و مرد را برای حفاظت خانه بپروراند و البته وطن از خانه‌ها تشکیل می‌شود» (بیاد ۱۷ دی: ۱۳۲۴، شماره اول: ۵).

دختران و تربیت نسل لایق و حافظ وطن

در مواجهه با وضعیت نابسامان سیاسی اجتماعی به ویژه حضور نیروهای خارجی در ایران و در راستای حفظ کیان و تمامیت ارضی ایران، زبان زنان بار دیگر با ارجاع به پایگاه نقش مادری و انتظارات تبعی آن در جامعه‌پذیری نسل آتی، دختران را با نگاه استراتژیک برای عهده‌داری نقش مادری و ترغیب و نهادینه‌سازی حس وطن‌خواهی در فرزندان آینده فرا می‌خواند: «ما دختران ایران یک میدان بازی بیست ساله داریم. از کی تا بیست سال؟ از همین الان از تاریخ ۱۳۲۳ تا ۱۳۴۳ و باید میدان بازی‌مان را با فداکاری یعنی از خودگذشتگی اشغال کنیم... بدون خودآرایی و بی‌تظاهر برویم- کجا برویم- سر گاهواره کودک... با حس مادری، با تربیت خانوادگی... در هر لحظه عمر «حب الوطن من الایمان» را با ابتکار مخصوص از اول کودکی در رگ و خون او تزریق کنیم. تا وقتی که به سن بیست سال رسید زنده برای وطن باشد و فدایی استقلال وطن گردد... هنگام رفتن از این دار، ندای شیرین وجدان را به گوش جان می‌شنویم که می‌گوید: استراحت کن مادری که فرزند لایق برای «حفظ وطن» بجای خود گذاشتی» (وطن و ما: ۱۳۲۳، شماره هشتم: ۶-۷).

بحث و نتیجه‌گیری

مقاله حاضر به بررسی ماهنامه زبان زنان (۱۳۲۴ - ۱۳۲۱) پرداخته تا بتواند نشان دهد متن درصدد ترویج کدام نقش اجتماعی برای زنان در آن مقطع مهم زمانی بوده و در این رابطه چه گزاره‌های سلبی و ایجابی ارائه داده است. مقالاتی که در بخش پیشینه تحقیق ذکر آن رفت عمدتاً بر نقش آگاهی دهنده نشریات و ایجاد تفکرات آگاهی بخش برای عموم مردم، بخصوص برای زنان تأکید داشته‌اند. عموماً متفاوت بودن نشریه به لحاظ پرداختن به مسائل اجتماعی زنان، زن نوشته بودن مطالب نشریه، محوریت شخصیت صدیقه دولت آبادی به عنوان فعال اجتماعی و مؤسس مدرسه‌ای برای زنان، جسارت او در طرح مسائل و مشکلات

زنان و مواردی از این قبیل بارها مورد توجه پژوهشگران قرار گرفته است. با این حال موارد پژوهشی‌ای که نیازمند توجه به ساختار پنهان متن و نگاه درون نگرانه است و از سطح استنباط استقرایی و تحلیل بر اساس فراوانی فراتر می‌رود در مورد نشریات زنان در این دوره کمتر یافت می‌شود. از جمله توجه به موضوع کلیدی نقش‌های اجتماعی زنان، تغییرات نقشی و انتظارات نقشی زنان از محورهایی است که تصویری از ارزش‌ها و باورهای جاری و نیز ایده آل‌های آتی جامعه عصر پهلوی اول را به خوبی بازنمایی می‌کند.

اهمیت این مقطع بدان جهت است که دربردارنده اولین ثمرات تلاش‌های فعالان و طرفداران زنان پس از مشروطه بوده و نیز تا اندازه زیادی ماحصل تجارب آنان از کارزارهای اجتماعی مدنی در قالب شکل‌گیری انجمن‌ها، تأسیس مدارس دختران، انتشار مطبوعات زنان، برگزاری جلسات سخنرانی و فعالیت‌های فرهنگی مرتبط از جمله نمایش تئاتر بانوان را منعکس می‌سازد. به ویژه آنکه پس از اعلام و اجرای سیاست‌های مدرن‌سازی پهلوی اول در حوزه زنان و خانواده (از جمله کشف حجاب و تغییر برخی قوانین خانواده) و خصوصاً پس از سقوط رضاشاه و در بحبوحه بلواهای ناشی از حضور متفکین، امکان بهره‌گیری از فضای گشوده مطبوعاتی و نقد و ارزیابی این سیاست‌ها میسر بوده است. ماهنامه نیز در آن مقطع از پشتوانه تجربه دو دهه انتشار ناپیوسته و پختگی مطبوعاتی لازم برخوردار بوده است.

تحلیل‌ها نشان می‌دهد از منظر ماهنامه، مادری غایت انسانی زن در مقام انسان اجتماعی است. این امر در راستای تحقق استعدادها و توانایی‌های طبیعی و انتسابی زنان و نیز گرایش‌های عرفی و دینی جامعه ایران مطرح شده است. در مرتبه بعد به لحاظ توزیع فراوانی، نقش‌های همسری و دوشیزگی قرار دارند ولی روح حاکم بر آن‌ها نیز همان مادری و خدمات‌رسانی به شوهر و فرزندان است؛ بنابراین می‌توان نتیجه گرفت تحول و تغییر وضعیت زنان فارغ از تغییر مناسبات اجتماعی دو جنس از جمله توجه به ارزشمندی زن و ترویج گرایش‌های برابرخواهانه آنچنان که در مدرنیته غربی تجربه شد، در اینجا در چارچوب انتظارات نقشی قالبی در عرصه خصوصی مورد توصیه و تبلیغ قرار می‌گیرد^۱.

۱- عاملی رضایی در بررسی نشریات زنان در پایان عصر قاجار می‌نویسد: «روزنامه‌های مخصوص زنان در بسیاری موارد اشتراک نظر داشتند و اغلب به مفاهیم یکسانی چون لزوم گشایش مدارس برای نسوان، اهمیت مادری و شوهرداری، حفظ الصحه و تلاش برای پرورش اخلاقی زنان توجه داشتند... بیشتر تلاش روزنامه نگاران زن، درباره تحول در مفهوم زندگی مشترک، همسری، خانه داری، پرورش و تربیت کودک و رعایت بهداشت بود و حوزه فعالیت آنان در زمینه حیات اجتماعی زن، عموماً بر مبحث علم آموزی زن در خدمت به زندگی مشترک خلاصه می‌شد. (عاملی رضایی، ۱۳۸۹: ۲۱۹-۲۲۰) همچنین نگاه کنید به: نشست مادری و مسائل آن در سایت انجمن جامعه شناسی (سخنرانی مریم میرزائزاد، ۱۵ آذر ۹۵).

کاربرد کلمه «تکلیف» بازتابی از فشار اجتماعی انتظار نقش در این دوره است که از قلم زنان تحول خواه جاری می‌شود. همچنین تأکید بر فرزندآوری به ویژه فرزند پسر با عباراتی چون: شیر نر زائیدن، مرد ساختن، مرد شجاع و فداکار تربیت کردن، ترجمان چندباره‌ای از کلیشه‌های جنسیتی نظام پدرسالارانه به قلم زنان فرهیخته عصر پهلوی است.^۱

درعین حال تأکید بر سوادآموزی، تحصیل و کسب آگاهی از طریق آموزش رسمی همگانی نقطه عطف ماهنامه محسوب می‌شود؛ موضوعاتی که در مختصات عهده‌گیری نقش‌های مادری و همسری موجب افزایش کارکرد و برآیند مطلوب‌تر است. اگر مخاطب ماهنامه را تنها زنان ندانیم، حداقل آن است که طرح مؤکد این امر موجب موجه‌سازی ضرورت آموزش زنان و دختران شده و به تلطیف فضای عمومی جامعه‌ای پرداخته که مقاومت سرسختانه‌ای با این امر داشته‌اند. تغییر دیدگاه‌ها در جامعه‌ای که نه تنها مردان، زنان را ناچیز می‌دانستند، بلکه زنان هم این تصور را درباره خود داشتند که بی‌اهمیت و بی‌ارزش هستند، از کارکردهای مثبت و ذی‌قیمت فعالیت مطبوعاتی زبان‌زنان است. نکته حائز اهمیت ضرورت کسب علم و سوادآموزی برای زنان در رابطه مستقیم با فرزندپروری است. از این منظر انتظارات نقشی از زنان در پایگاه مادری به طوری است که «فرزندپروری» را همچون «فرزندآوری» مورد تأکید قرار داده است. این امر برآمده از اهمیت یافتن فلسفه تعلیم و تربیت در دوران مدرن است. در حقیقت در فضای فکری پس از مشروطه، تعلیم و تربیت رنگ و بویی انسان‌گرایانه داشته و بعنوان فرایندی میان رشته‌ای، مستلزم برنامه‌ای منظم و مدون دانسته شده است.

در زمینه انتظارات ایجابی از جمله اشاعه حس وطن‌پرستی می‌توان دید که ملی‌گرایی بعنوان ارزشی تجددخواهانه از طریق مطبوعات بطورکلی با آحاد جامعه و در اینجا زبان‌زنان با زنان پیوند می‌خورد. در حقیقت حمله متفقین موجب شد تا مقارن انتشار ماهنامه زبان‌زنان، کشور دچار وحشت و بحران جدی شود. سقوط دولت رضاشاه، حضور نیروهای نظامی خارجی و بحران‌های اقتصادی که به شدت بر زندگی و معیشت مردم تأثیر

۱. این دست مفاهیم، از جمله مفاهیم رایج در فرهنگ جامعه ایران است که بطور تاریخی متداول بوده و برای دوره‌های متمادی پذیرفته و بدیهی انگاشته شده است. در رابطه با نقد ارزشمندی عمومی فرزند پسر و لزوم توجه همسان به فرزند دختر در پایان عصر قاجار نگاه کنید به پیک سعادت نسوان (۱۳۰۶)، شماره سوم مقاله زن و مرد (پیروزی، شادی و هادی میرزائزاد موجد: ۱۳۹۳) و نیز شرح مبسوط کاشانی ثابت بر اهمیت فرزند پسر در فرهنگ ایران عصر پهلوی در کتاب:

Kashani Sabet, Firoozeh (2011) *Conceiving Citizens, Women and Politics of Motherhood in Iran*, Oxford University Press, Chapter 9.

داشت شرایط وخیمی را از بعد مادی و نیز روحی روانی برای مردم رقم زده بود. احساس عدم امنیت، گرانی و کمبود مواد غذایی، مرگ‌ومیر ناشی از ابتلا به بیماری‌ها، سوء‌تغذیه و عدم دسترسی به امکانات پزشکی، بهداشتی، نوعی احساس محرومیت مضاعف و البته عمومی را با خود به همراه داشت. ناکارآمدی هیئت حاکمه در مواجهه با این وضعیت، بحران مشروعیت سیاسی را رقم زد؛ بنابراین استمرار این شرایط در میان‌مدت نتایج مضمّن‌کننده ملموسی بر جای گذاشته بود. بر این اساس زبان زنان با ارجاع به پایگاه نقش مادری و انتظارات تبعی آن- در جامعه‌پذیری نسل آتی- نهادینه سازی حس وطن‌خواهی در نسل‌های بعدی را از دختران می‌طلبید. بنابراین هر چند ماهیت نقش‌ها جوهراً سنتی است ولی این پیوند با مفصل‌بندی متفاوت، رنگ و بویی جدید به پایگاه اجتماعی مادری و همسری می‌دهد و در نتیجه با آفرینش هیجان‌انگیز روحیه سلحشوری و وطن‌دوستی، زنان را در درجه اول و جامعه را در رتبه بعد به درک اهمیت وافر نقش تربیتی‌شان ناائل می‌سازد و تا حدی زمینه ارزشمندی و عزت‌نفس آنان را مهیا می‌سازد.

با آنکه ماهنامه زبان‌زنان آکنده از کلیشه‌های جنسیتی است و محتوای آن در امتداد ایدئولوژی عرفی و تاریخی پدرسالارانه ارائه شده -که خود با توجه به سفر چهار ساله دولت‌آبادی و تحصیل در سوربن و دور شدن از فضای سنتی جامعه از یک سو و از سوی دیگر تسری مطالبات جنبش‌های زنان در غرب به فضای روشنفکری ایران که تحول نقش زنان را در حوزه عمومی می‌جست و اصلاحات قانونی را تقاضا می‌کرد محل تعمق است- با این حال تلاش اصحاب این نشریه در توجه دادن به وضعیت زنان، بیان احوالات آنان و طرح مضامین جدید در رابطه با نقش‌های جنسیتی جای تأمل دارد. از جمله مطالعه نظام مند نشریات زنان در دوره مشروطه دوم، پهلوی اول و دوم، بر حسب موضوعاتی چون نهادهای اجتماعی، گروه‌ها و اقشار، اشتغال و فراغت، آسیب‌های اجتماعی، بهداشت و سلامت در ارتباط با موضوع محوری زن پیشنهاد می‌شود. همچنین مطالعه تغییرات نسبی نقش‌های اجتماعی زنان در نشریات دوره حاضر و نیز تغییر گفتمانی این نقش‌ها در نشریات پیشنهاد می‌شود. روند پژوهی مطالب این نشریات و نیز انجام طرح‌های مطالعات تطبیقی میان نشریات زنان در ایران و سایر کشورها از جمله کشورهای منطقه و به ویژه ترکیه از دیگر پیشنهادهای این پژوهش است.

منابع

- استفانی، گرت. (۱۳۸۲)، *جامعه‌شناسی جنسیت*، ترجمه: کتایون بقایی، تهران: نشر دیگر.
- اعزازی، شهلا. (۱۳۷۶)، *جامعه‌شناسی خانواده: با تأکید بر نقش، ساختار و کارکرد خانواده در دوران معاصر*، تهران: روشنگران و مطالعات زنان.
- آبوت، پاملا؛ والاس، کلر. (۱۳۸۵)، *جامعه‌شناسی زنان*، ترجمه: منیژه نجم آبادی، تهران: نشر نی.
- باستانی، سوسن. (۱۳۸۷)، *جنسیت، فرهنگ، ارزش‌ها و نگرش‌ها*، تهران: پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات.
- پولاک، ادوارد. ی. (۱۳۶۱)، *ایران و ایرانیان*، ترجمه: کیکاووس جهانداری، تهران: خوارزمی.
- پهلوان، چنگیز. (۱۳۹۵)، *سازمان پرورش افکار و هنرستان هنرپیشگی*، نشر مرکز.
- پیروزی، شادی؛ هادی میرزائزاد موحد، پیک سعادت نسوان. (۱۳۹۳)، *دومین نشریه زنان گیلان*، رشت: فرهنگ ایلیا.
- دارندورف، رالف. (۱۳۸۳)، *انسان اجتماعی*، ترجمه: غلامرضا خدیوی، تهران: نشر آگاه.
- رایف، دانیل؛ لیس، استفن؛ فیکو، فریدریک جی. (۱۳۸۸)، *تحلیل پیام‌های رسانه‌ای*، ترجمه: مهدخت بروجردی علوی، تهران: انتشارات سروش و مرکز تحقیقات، مطالعات و سنجش برنامه‌های.
- ریتزر، جرج. (۱۳۷۹)، *نظریه جامعه‌شناسی در دوران معاصر*، ترجمه: محسن ثلاثی، تهران: نشر علمی.
- زبان زنان؛ ش ۱، آذر ۱۳۲۱
- عاملی رضایی، مریم. (۱۳۸۹)، *سفر دانه به گل*، تهران: تاریخ ایران.
- معروفی، یحیی؛ یوسف زاده، محمدرضا. (۱۳۸۸)، *تحلیل محتوا در علوم انسانی*، همدان: سپهر دانش.
- محسنی، منوچهر. (۱۳۶۳)، *مقدمات جامعه‌شناسی*، تهران: پژوهش یار.
- مهدی زاده، سیدمحمد. (۱۳۸۷)، *رسانه‌ها و بازنمایی*، تهران: دفتر مطالعات و توسعه رسانه‌ها.

مقالات

- ترابی فارسانی، سهیلا. (۱۳۹۵)، «زن و تحول گفتمان از خلال نشریه‌های زنان (از مشروطه تا پهلوی)»، *فصلنامه تاریخ اسلام و ایران دانشگاه الزهراء*، شماره ۳۰.
- حامدی، زهرا. (۱۳۹۴)، «بازتاب تعاملات فکری اندیشه گران در خصوص آموزش زنان در دوره پهلوی اول مبتنی بر سه نشریه عالم نسوان، شفق سرخ و اطلاعات»، *تاریخ اسلام و ایران*، شماره ۲۷.
- رجبی، علی‌اصغر. (۱۳۹۵)، «بررسی نقش نظام آموزشی جدید ابتدایی و متوسطه در انتقال علوم و فنون جدید در دوره پهلوی اول»، *رهیافت تاریخی*، شماره ۱۶.
- عباسی، سمیه؛ موسوی، منصور. «نگاهی به موقعیت زنان در دوره پهلوی - از سال ۱۳۰۰ تا ۱۳۳۲ ش»، *پژوهش نامه زنان*، شماره ۱.
- نجم آبادی، افسانه. (۱۳۸۴)، «اقتدار و نمایندگی: بازبینی فعالیت‌های زنان در دوره رضاشاه»، *مجله گفتگو*، شماره ۴۴.
- نشست مادری و مسائل آن در سایت انجمن جامعه‌شناسی. (۱۳۹۵). *سخنرانی مریم میرزائزاد*، ۱۵ آذر.

نقش‌های اجتماعی مرجع زنان در آغاز بهلوی دوم ... ۱۸۳

منابع اینترنتی

- شاه آبادی حمیدرضا، «در غیاب کودکی؛ تلاشی در شناخت تاریخ کودکی در ایران دوره قاجار»، (۱۳۹۵):
- <http://hr-shahabadi.ir/blog.php?type=portfolio&id=8>
- Kashani Sabet, Firoozeh (2011) *Conceiving Citizens, Women and Politics of Motherhood in Iran*, Oxford University Press, Chapter 9.